

## سرمایه اجتماعی و تاب‌آوری روستایی: بحثی پیرامون مفهوم شناسی و نظریه‌ها

محمد تقی سبزه‌ای ۱ و نجم‌الدین یوسفی ۲

### چکیده

طی چند دهه گذشته، سرمایه‌اجتماعی از جانب بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی مورد توجه شایانی واقع شده است. مفهوم سرمایه اجتماعی ریشه در روابط اجتماعی نوع بشر دارد و به نوعی محصول جامعه بشری است. سرمایه اجتماعی و رهبری سطح جامعه محلی، از خصیصه‌های اساسی هستند که به عنوان سپری جلوی اثرات مخاطرات محیط زیستی شدید عمل کرده و سازماندهی مجدد اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد. در این مقاله ضمن بیان مفاهیم نظری پیرامون تاب‌آوری اجتماعی و سرمایه اجتماعی، نظریه‌ای رابط، به عنوان حلقه مرتبط تاب‌آوری اجتماعی به سرمایه اجتماعی مورد استناد و توجه واقع شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که برای افزایش سطح تاب‌آوری اجتماعات روستایی، هر چند تاثیر عوامل دیگری نیز خارج از بحث این مطالعه قابل اذعان است، لکن با استناد به مفاهیم نظری مورد بحث این پژوهش، یکی از عوامل اصلی و تاثیرگذار در این مقوله، آن‌کا به خود مردم به پشتیبانی سرمایه اجتماعی آنان است.

کلیدواژه: «سرمایه اجتماعی»، «تاب‌آوری اجتماعی روستایی»، «مخاطرات محیط زیستی»

---

۱ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

۲ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه رازی

## مقدمه

مخاطرات طبیعی اصولاً به تغییراتی گفته می‌شود که در شرایط زیست محیطی رخ می‌دهد، به طوری که باعث گسسته شدن روند زندگی طبیعی مردم و قرار گرفتن آنها در معرض عناصر و عوامل خطرناک و تخریب کننده محیط می‌شود. (عزومی، ۱۳۹۴: ۲۴).

از میان دامنه‌ی گسترده‌ای از مخاطرات که جوامع انسانی در معرض آن قرار دارد، خشکسالی از مهمترین بلاهای طبیعی است که زیان‌های بسیاری را بر بخش کشاورزی و منابع آبی وارد می‌سازد. (صادق‌لو، ۱۳۹۳: ۱۵). وقوع خشکسالی باعث بروز پیامدهای زیادی برای مناطق روستایی می‌شود. چالش‌های اجتماعی یکی از پیامدهای بحران خشکسالی برای مناطق روستایی است. این پیامدها و خسارات در صورت عدم برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، می‌تواند زندگی را برای روستاییان در این مناطق با مشکلات اساسی رو به رو کند و ادامه زندگی در این مناطق را بسیار دشوار نماید (آقایی، ۱۳۹۵: ۱۴). در راستای موضوع اخیر شایان ذکر است که؛ بیش‌تر پژوهش‌های مرتبط با مخاطرات و سوانح، پارادایم خود را از «مدل کاهش تلفات و خسارات» به یک مدل جامع‌تر تاب‌آوری اجتماعی محلی، مبتنی بر سیستم‌های اجتماعی و رویکرد‌های حل مسئله اجتماعی تغییر داده‌اند. (اسکاپ و یونی سدر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱: ۲۲). بر اساس دیدگاه صاحب نظران و پژوهشگران تاب‌آوری، انعطاف‌پذیری محلی از طریق ظرفیت سرمایه اجتماعی در برابر ریسک مخاطرات طبیعی، می‌تواند از طریق عمل جمعی به واکنش‌های موثری برسد (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۴). به دلیل ضرورت پرداختن به مسئله خشکسالی به عنوان اولویتی راهبردی در سطح ملی، در ایران تحقیقات متعددی به صورت کلان (عام) و به تفکیک مناطق جغرافیایی صورت گرفته است. لیکن پژوهش‌های داخلی به طور عمده به بررسی وسعت، شدت و دوره‌های خشکسالی از ابعاد فنی پرداخته‌اند و کمتر به راهکارهای تطبیق و تاب‌آوری جامعه در

<sup>3</sup>Escap&Unisdr

معرض مخاطرات، توجه نشان داده اند، در حالی که مطالعات خارجی در این زمینه، غنای کافی دارند. این در حالی است که، آسیب‌های وارده بر کشاورزان و پیامد‌های وقوع خشکسالی‌های دوره‌ای، بیانگر عدم آمادگی و تاب‌آوری پایین کشاورزان، در برابر این مخاطره و پیامد‌های آن و همچنین نا کارآمدی سیستم‌های مدیریت بحران در این موارد است. تحلیل نقش و میزان تأثیر سرمایه اجتماعی در تاب‌آوری اجتماعی در مخاطرات محیط زیستی، می‌تواند از مباحث و دغدغه‌های پژوهشگران رشته‌هایی نظیر جامعه‌شناسی باشد.

### مفاهیم نظری

#### ۱- تاب‌آوری

ریشه لغت تاب‌آوری از واژه لاتین **Resilio** به معنی جهش کردن یا به جای اول برگشتن، گرفته شده است. واژه تاب‌آوری در فرهنگ آکسفورد به معنای توانایی مردم یا چیزها به این منظور که بعد از حوادث ناگوار مانند شوک، آسیب و... به سرعت به احساس بهتری دست یابند و نیز به معنای توانایی مواد به منظور بازگشت به حالت اولیه بعد از خم شدن، کشش و یا فشرده شدن، معنا شده است (آکسفورد، ۲۰۰۵: ۱۳۰۰). در فرهنگ لغات کولینز<sup>۴</sup>، واژه تاب‌آوری، توانایی بازیابی یا بهبود سریع، تغییر، شناوری و کشسانی و خاصیت ارتجاعی و انعطاف‌پذیری، توانایی یک شخص یا سازمان برای بهبودی سریع پس از یک بدبختی و یا امری ناخوشایند، ترجمه شده است (دیکشنری کولینز، ۲۰۱۴: ۱۲۳۰).

#### تاب‌آوری اجتماعی

اگر توجه به جنبه‌های اجتماعی در تاب‌آوری بیشتر از توجه به زیرساخت‌های کالبدی و فیزیکی در مدیریت بحران اهمیت نداشته باشد، دست کم به همان اندازه، حائز اهمیت است. در

<sup>4</sup>Colins dictionary

جایی که جنایت، بی‌خانمانی، بیکاری و بحث‌های مربوط به تغذیه نامناسب و آموزش نا کافی نمایان است، دیگر نمی‌توان برای مسائل پیش‌گیری از بلا یا اهمیت زیادی قائل شد. لذا مفهوم تاب‌آوری گام به گام تکامل یافت و توجه از مفهوم اولیه اکولوژیکی آن به سمت مفهوم اجتماعی-اکولوژیکی و سپس به سمت مفهوم اجتماعی جلب گردید.

تاب‌آوری اجتماعی شامل شرایطی است که تحت آن افراد و گروه‌های اجتماعی با تغییرات محیطی انطباق می‌یابند. به طور کلی قابلیت تاب‌آوری اجتماعی، توان یک اجتماع برای برگشت به تعادل یا پاسخ مثبت به مصیبت‌ها است (اسدی، ۱۳۹۴: ۱۸).

تاب‌آوری اجتماعی دارای مراحل مختلفی است و به طور قابل ملاحظه‌ای باعث دوام و استحکام اجتماع می‌گردد. سطح انعطاف‌پذیری گروه‌های مختلف در یک اجتماع با هم تفاوت دارد و عکس‌العمل آن‌ها نیز در موارد بحرانی متفاوت است. شرایط اجتماعی باعث می‌شود که تعدادی از اعضای جامعه در اثر مصیبت‌های وارده کمتر تأثیر پذیر باشند و بعضی‌ها بیشتر. در این حالت ایجاد شرایط مساعد به منظور توانا ساختن گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، نوعی خلاقیت محسوب می‌شود و باعث ارتقای تاب‌آوری اجتماعی می‌گردد (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵: ۱۸).

به عنوان مثال، وجود شبکه‌های اجتماعی نزدیک و صمیمی، سبب ارتقای تاب‌آوری بزرگسالان در برابر جنبه‌های منفی پیری می‌شود. نقطه شروع برای مطالعات تجربی در مورد تاب‌آوری اجتماعی این سؤالات است: تاب‌آوری برای چه؟ در برابر چه؟

تهدیدها معمولاً به صورت خارجی بر اجتماعات فرض می‌شوند مانند؛ اثر قیمت بر هزینه خانوار ولی ممکن است درونی نیز باشند به عنوان مثال؛ یک اجتماع ممکن است در زمانی نسبت به همه گیر شدن آنفلونزا آسیب‌پذیر باشد و این به دلیل نداشتن تجربه و فقدان منابع اجتماعی و آگاهی در روبرو شدن با آن مشکل است (مرکز ملی آمایش سرزمین، ۱۳۸۵: ۱۹).

## ۲- تاب‌آوری اجتماعی در جوامع روستایی

به طور خاص برای اولین بار هریجمن<sup>۵</sup> و دیگران در سال ۲۰۰۷ مفهوم تاب‌آوری اجتماعی روستایی را مطرح کردند. ایده‌ی مذکور بر این پایه که سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی روستایی به طرز فزاینده‌ای پیچیده بوده و در ارتباط متقابل با یکدیگر، به طور دائم در حال شدت و افزایش مقیاس می‌باشند، بیان شده است (اسچوتن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹: ۴). تاب‌آوری یک جامعه نسبت به سوانح را نباید یک قابلیت جداگانه دانست. چون جوامع نسبتاً ساده، حاوی گروه‌های اجتماعی مختلف می‌باشند که این گروه‌ها به شیوه‌های مختلفی با هم متفاوت هستند از سویی نیز سوانح طیف وسیعی از حوادث را پوشش می‌دهند. آلدریچ<sup>۷</sup> معتقد است که جوامع ممکن است با توجه به نوع سوانح، همزمان تاب‌آور و آسیب‌پذیر باشند. یک اجتماع در منطقه‌ای که مستعد آتش‌سوزی است، ممکن است (برحسب تجربه)، منابع اجتماعی لازم جهت رویارویی با این آتش را داشته باشد. اما همزمان، ممکن است نسبت به سانحه‌ای دیگر آسیب‌پذیر باشد چرا که آن را تجربه نکرده و منابع اجتماعی مقابله با آن را ندارد (اسدی، ۱۳۹۴: ۱۱).

تاب‌آوری در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری دارای تفاوت‌های بارزی می‌باشد. جوامع روستایی از دیدگاه مسائل جمعیت‌شناسی، ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و اهداف زندگی، تفاوت‌های قابل توجهی با سایر جوامع دارند. به عنوان مثال؛ بسیاری از جوامع روستایی دارای خصوصیات هستند که آن‌ها را در برابر تأثیرات سانحه مقاوم تر می‌سازد مانند خود اتکایی، دامنه وسیعی از مهارت‌ها، ابزارها و کار کردن برای یکدیگر. تاب‌آوری در این چنین جوامعی مربوط به ظرفیت جامعه برای مطابقت با تغییرات خارجی است که به واسطه آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و اکولوژیکی به آن‌ها وارد می‌شود. ظرفیت انطباق

<sup>5</sup> Harigeman

<sup>6</sup> Schouten

<sup>7</sup> Aldrich

سیستم های روستایی یکی از اجزای مرکزی تاب آوری آن ها است. در مقایسه با مناطق شهری، نواحی روستایی دارای تنوع اقتصادی و منابع مالی کمتری برای عملیات کاهش ریسک یا تصمیمات و اقدامات باز سازی پس از آن می باشند. به علاوه تراکم جمعیتی کمتر و شبکه های اجتماعی ناکافی برای نواحی روستایی پس از سانحه چالش هایی را ایجاد می کند (فکت شیت<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸: ۵).

در مقابل بر اساس پژوهش های متعدد، به نظر می رسد، این جوامع دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند که مانع از رخداد بسیاری از حوادث نا خواسته می شود مانند شبکه های مردمی جوامع روستایی با طیف گسترده ای از روابط طولانی مدت، تمایل بیشتر به مشارکت، سطح خویشاوندی، همسایگی قوی تر و نیز قدرت بیشتر اعتقادات مذهبی نسبت به کلان شهرها. به علاوه همگونی نژادی یا قومی نیز از عوامل مهم و مؤثر بر سرمایه اجتماعی است که اغلب در ادبیات مختلف، بر آن تأکید شده است. روابط اجتماعی قوی افراد جامعه روستایی، زمان بازتوانی را کاهش می دهد. همچنین، چنین روابط قدرت مندی در برنامه ریزی مدیریت بحران، به دلیل ارائه ایده های جدید و حمایت از فعالیت ها، دارای اهمیت است. البته تنوع در بین جوامع روستایی به این معناست که هیچ راه واحدی برای ایجاد تاب آوری و سرمایه اجتماعی و یا کاربرد آن پس از سانحه وجود ندارد. در هر جامعه ای نیاز است که مشکلات خاص، ظرفیت ها و نیازها شناخته شده و بهترین رویکرد اتخاذ شود. تشویق مردم روستا به مشارکت در موضوعات مربوط به جامعه، ایجاد شانس مشارکت در فعالیت های دلخواه هر یک از اعضای جامعه و ارتباط افراد با دولت محلی، باعث ایجاد این اعتماد و بیان نیازها و خواسته ها یشان می شود (اسدی، ۱۳۹۴: ۱۳).

---

<sup>8</sup> Fact Sheet

### ۳- ارتباط نظری بین تاب‌آوری و آسیب‌پذیری (نظریه گذار از چاکرا بارتی و کولنبر<sup>۹</sup>)

نظریه گذار یک نظریه عمومی است که در قالب اصول، الگوها و فرایندهای عمومی قابل کاربست میان رشته‌های مختلف، با پیوند محکمی با تحولات اجتماعی - تکنولوژیک قرار دارد. بر اساس این نظریه «تلاش برای فهم و آشکار سازی پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی گذارهای اجتماع (یا زیرسیستم‌های جامعه)، از یک حالت سازماندهی به حالت دیگر...» باید مورد توجه قرار گیرد. تاکید نظریه گذار شناسایی فازهای منسجم سازمان اجتماعی در حالت عادی است در حالی که در زمان‌های دیگر پیچیدگی و حتی بی‌نظمی می‌تواند مسأله گردد و یا حتی به مجموعه جدیدی از ساختارهای منسجم منجر گردد. اهمیت رو به رشد نظریه گذار، مربوط به تغییرات بنیادین در مفهوم سازی تغییر اجتماعی مرتبط با «چرخش فرهنگی است». چاکرا بارتی و کولنبر، دو نظریه پرداز این دیدگاه عنوان می‌کنند: «این نظریه به عنوان رهیافت نظری در فهم تغییر اجتماعی در رشته‌های مختلف نظیر؛ گذار از سوسیالیسم به پسا سوسیالیسم، تحولات اجتماعی - تکنولوژیک و تغییر سیاسی، تحولات روستایی، تحولات پایداری، تغییرات عمومی از «ایسم‌ها» به «پسا ایسم‌ها» نظیر گذار به فوردیسم، گذار به پست مدرنیسم و... استفاده می‌شود. نظریه گذار فرض می‌کند که مراحل یا دوره‌های کلیدی ای در تغییر اجتماعی وجود دارد و هر یک از این مراحل به نوبه خود سکوی پرتابی برای گذار بعدی است. این نظریه، قویاً در بستر نظریه نظم قرار گرفته است. چنانچه هر دو نظریه گذار و نظم این مفهوم را به اشتراک می‌گذارند که فازهای گذار اجتماع در میان مفاصل پیچیده زمینه‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی رخ می‌دهد».

چنانچه نظریه پرداز اقتصادی لیپیتز<sup>10</sup> بحث می‌نماید که این مفاصل می‌تواند به عنوان دقایق ساختاری ای که زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را تعدیل و تنظیم می‌کند، دیده شود. لیپیتز به مدل های توسعه ای که به فرم های خاص اقتصادی و سیاسی سازمانی در سازگاری (تحمیل شده توسط نیروهای بیرونی)، در طول مراحل مختلف تحولات اجتماعی شکل می‌دهند، اشاره می‌نماید. نظریه گذار همچنین از سنت های آکادمیکی نظیر نهاد گرایی جدید - که بر اهمیت وابستگی مسیر و گذر گاه های گذار به وجود آمده توسط تعهدات ایدئولوژیک و میراث های سیاسی، نهادی و اجتماعی تأثیر گذار بر یادگیری و گزینه های تصمیم گیری، تأکید می‌کند - بهره می‌گیرد. به ویژه، خاطرۀ اجتماعی در این نظریه بحثی اساسی است و ممکن است به مرحله یادگیری و تطابق بر اساس تجربه گذشته منجر شود. این بدان معنا است که دانش، تجربه و خرد جمعی از نسلی به نسل دیگر و از عاملی به عامل دیگر در یک جامعه (و فراتر از آن)، انتقال می‌یابد. در عوض "مسیرهای یادگیری"، غالباً فرایندهای گذار با مسیرهای وابسته را تسهیل می‌نمایند. چنین مسیرهایی بیشتر تحت تأثیر نهاد های انسانی و اشکال حکمروایی (غالباً در سطح ملی و فراملی)، قرار گرفته اند که می‌توانند بر فرایندهای گذار غالباً تعریف شده در فرم گذرگاه های گذار نسبتاً باریک، به صورت فعالانه تأثیر بگذارند. اگر یک اجتماع قادر باشد - حداقل تا حدودی - از یک آسیب گسست در اثر گذار بهبود یابد، بر طبق مدل های گذار جامعه به "مرحله تطبیق مجدد" (که می‌تواند با مسیر های نا منظم و تصادفی گذار در مراحل اولیه تعریف شود) و یک "مرحله احیاء" (احتمالاً خطی تر) که می‌تواند به جامعه در "کشف مجدد" مسیرهای تاب آورتر از پیش از فاجعه، کمک نماید (برای مثال نقاط "a" و "b" در شکل)، راه یافته است. بنابراین فولکه<sup>11</sup> بحث می‌کند که؛ "پویایی های پس از اختلال یا حتی انتقال رژیم، اساساً به ظرفیت خود سازماندهی سیستم انطباق پذیر پیچیده بستگی دارد. اگر چه توجه به این نکته مهم است که

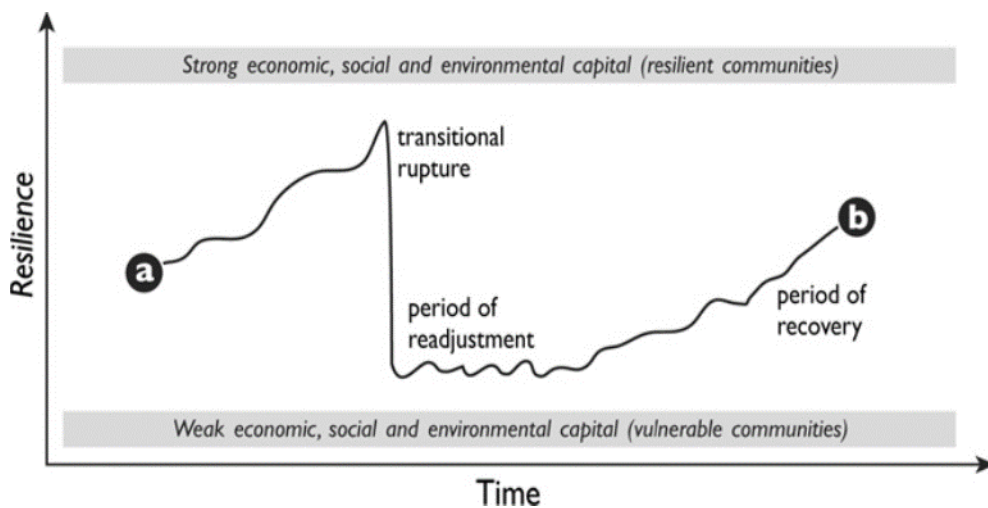
---

<sup>10</sup> Lipitz

<sup>11</sup> Folke



لزومی نیست که نقاط "a" و "b" در شکل از نظر کیفی مشابه باشند. فرایند های یادگیری اجتماعی معمولاً بدین معناست که چون جوامع قادر به رفع اختلالات و استفاده از ظرفیت سازگاریشان در "بازگشت به قبل" در طول دوره سازگاری مجدد هستند، بنابراین، "گونه" یا "کیفیت" تاب‌آوری متفاوتی را در مقایسه با قبل از اختلال خواهند یافت. به معنای دیگر برای جامعه، غیر ممکن است که ویژگی های تاب‌آوری را که پیش از روی دادن اختلال داشت، مجدداً خلق کند. به خصوص فرایندهای پس از اختلال نظیر یادگیری، شبکه های عاملان در حال تغییر و پارامترهای در حال تغییر اجتماعی-اقتصادی و محیطی بدین معناست که گذشته نمی‌تواند به هیچ عنوان دوباره ابداع شود.



شکل ۱-۱ تاب‌آوری و آسیب‌پذیری به عنوان انتهای متضاد طیف؛ منبع: (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۹)

جذابیت چارچوب نظریه گذار برای فهم تاب‌آوری جامعه و آسیب‌پذیری چند برابر است:

نخست، به دلیل تمرکز آن روی "احتمالات تحول" با درک تعاملات میان عاملین و زمینه‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی. به عبارت دیگر، عدم وابستگی مقیاس نظریه گذار-هم در

وابستگی جغرافیایی و هم‌زمانی - یکی از مهم‌ترین دارایی‌های نظری و روش‌شناختی اصلی اش است.

دوم، نظریه‌گذار هم به پیش‌بینی آینده بر مبنای مسیرهای موجود تغییر و هم به مرور گذشته به دلیل شواهد‌گذار تدریجی که آزمایش انعطاف‌پذیری مدل‌های‌گذار را مقدور می‌سازد، اجازه حضور می‌دهد.

سوم، نظریه‌گذار از هم‌پاشیدن روابط قدرت پیچیده در سیاست، ایدئولوژی، فرهنگ و رفتار که به تاب‌آوری یا آسیب‌پذیری جوامع محلی از طریق تمرکز بر درک ادامه، ثبات یا تخریب فرایندهای‌گذار خاص - برای مثال؛ ایدئولوژی‌ها، رویکرد‌ها، سیاست‌ها - کمک می‌کند و فهم آثارشان در خلق رفتارهای‌گذار قابل‌پیش‌بینی - اما نه به هیچ وجه قطعی - را ممکن می‌سازد. چهارم، این نظریه، نگرشی به ماهیت محدود شده فرصت‌های‌گذار کوتاه و بلند مدت و راهی که انتخاب‌های پی‌در پی می‌توانند به تدریج مرزهای تحول جامعه را از طریق پیشرفت تدریجی یا گسست‌های با اهمیت‌تر تغییر دهند، فراهم می‌آورد. نهایتاً و مهم‌ترین بخش موضوع بحث، نظریه‌گذار به ما اجازه می‌دهد که به ماهیت غالباً هم‌پوشان فرایندهای تغییر در سطح جامعه که غالباً تحت تصورات شکل داده شده توسط فرایندهای عمودی پنهان می‌شوند، توجه کنیم. مخصوصاً با افشای این‌ها از طریق تأکید بر این که چگونه گره‌های تصمیمات، مسیرهای میان تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اجتماعی را خلق و تغییر می‌دهند (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۹).



شکل ۱-۲ تاب‌آوری و آسیب‌پذیری به عنوان انتهای متضاد طیف؛ منبع: (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۲۶)

## ۲- سرمایه اجتماعی

در مورد این‌که سرمایه اجتماعی نوعی از سرمایه است می‌توان چهار استدلال اساسی را به میان آورد:

اول این‌که سرمایه اجتماعی مانند انواع با امکان دیگر سرمایه، منبعی است سرمایه‌گذاری برای انتظارات آینده و همراهی بازدهی و نااطمینانی. سرمایه‌گذاری در ساختن شبکه‌های روابط خارجی، کنش‌گران را در جهت دستیابی به اطلاعات و قدرت، توانمند می‌سازد و توسعه شبکه‌های درونی به کنشگران جمعی امکانات تقویت هویت جمعی و کارهای مشارکت جمعی را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر همیشه نمی‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان یک دارایی برون‌زا و غیرقابل کنترل یاد کرد (علوی، ۱۳۸۰: ۵۶).

دوم اینکه سرمایه اجتماعی مانند گونه‌های دیگر سرمایه چند منظوره و تبدیل پذیر است. شبکه‌های دوستانه کنشگران اجتماعی مانند سرمایه‌های فیزیکی می‌توانند برای اهداف متفاوت به کار گرفته و به تولید کمک کند. همچنین منافعی که افراد از جایگاه‌شان در شبکه می‌برند، قابل تبدیل به دیگر انواع سرمایه و به ویژه سرمایه اقتصادی است. به همین دلیل اعتماد و اعتبار را بعضی مواقع به عنوان جایگزین سرمایه اقتصادی مطرح می‌کنند.

دلیل سوم به جایگزینی یا مکمل بودن سرمایه اجتماعی برای دیگر اشکال سرمایه اشاره دارد. عوامل اقتصادی می‌توانند گاه کمبود سرمایه اقتصادی یا انسانی خویش را با روابط اجتماعی قوی جبران کنند. بوردیو معتقد است استراتژی تبدیل سرمایه به همدیگر، متاثر از تغییر در ساختار فرصت‌های سودی است که هر یک ارائه می‌کنند.

چهارم اینکه سرمایه اجتماعی نیز مانند سرمایه فیزیکی و انسانی، نیازمند حفاظت و هزینه نگهداری است و باید به طور متناوب بازسازی و تقویت شود. هرچند این سرمایه همچون سرمایه

انسانی نرخ استهلاک قابل پیش‌بینی ندارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مانند دانش و مهارت یا برخی کالاهای عمومی با عدم استفاده هم ممکن است دچار استهلاک شود (علوی، ۱۳۸۰: ۶۱).

یکی از جنبه‌های مهم در توسعه پایدار اجتماعی استفاده از مفهوم سرمایه در وجه اجتماعی آن است. هر چند واژه سرمایه اساساً در قلمرو اقتصادی به کار گرفته می‌شود، اما از حدود دو دهه گذشته در قلمرو اجتماعی مورد پذیرش فزاینده‌ای قرار گرفته است و در حال حاضر به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه یافتگی مطرح می‌باشد (مرکز آمایش ملی سرزمین، ۱۳۸۵: ۷۹).

جامعه‌شناس پیر بوردیو از این عبارت در سال ۱۹۷۲ در کتاب "طرح نظریه عمل" استفاده کرد و چند سال بعد آن را از سرمایه فرهنگی، اقتصادی و نمادین متمایز ساخت. در اواخر دهه ۱۹۹۰، این مفهوم عمومیت یافت و موضوع برنامه تحقیقاتی بانک جهانی و موضوع اصلی چند کتاب گردید. از جمله کتاب‌های رابرت پاتنام نیز در سال ۱۹۹۳ با چاپ کتاب "بنای دموکراسی کار آمد؛ سنت‌های مدنی" و مقاله "بولینگ یک نفره، کاهش سرمایه اجتماعی آمریکا" در سال ۱۹۹۵ و "با هم بهتر است" نوشته لوئیس فلدشتاین<sup>۱۲</sup> باعث توجه بیشتر عموم به ایده‌ی سرمایه اجتماعی و چگونگی افزایش و کاهش و بازسازی آن در آمریکا شد (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۱۷).

<sup>12</sup> Louis Feldstein

## یافته های تحقیق

۱- پیوند سرمایه اجتماعی با تاب‌آوری جامعه (نظریه تاب‌آوری جامعه و سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی از ابل و ویلسون<sup>۱۳</sup>)

این نظریه به عنوان حلقه مرتبط تاب‌آوری اجتماعی به سرمایه اجتماعی مطرح است. این رهیافت مربوط به تلاش‌هایی در درک این موضوع است که چگونه گذار در مسیر تاب‌آوری اجتماعی به سرمایه‌های مختلف مرتبط است. ابل و ویلسون (۲۰۰۶) بحث می‌کنند که مفهوم سرمایه، نظریه تاب‌آوری را به اقتصاد، جامعه‌شناسی، اکولوژی و بحث‌های گسترده‌تر در مورد پایداری مربوط می‌کند. این رهیافت با مفاهیم "کلاسیک" تاب‌آوری در تناقض نیست، بلکه آنها را تکمیل می‌کند. زیرا به درک اهمیت تعاملات جامعه - محیط زیستی که قبلاً هم در پژوهش‌های مربوط به مسائل تاب‌آوری اجتماعی - اکولوژیک، مورد اشاره قرار گرفته بود، کمک می‌کند. علاوه بر این درک پیش‌ران‌های کلیدی تاب‌آوری مربوط به مسائل اقتصادی، اجتماعی سیاسی، روانشناسی و در حقیقت مسائل اخلاقی را ممکن می‌سازد.

اگر چه پیشینه نظری انتقادی نیز اشاره می‌نماید که یکسان فرض نمودن تاب‌آوری اجتماعی به مجموعه محدودی از سرمایه‌ها - در فرایندها یا دارایی‌هایی که بسیاری از نویسندگان آن را به صورت چندگانه فرض نموده‌اند - ممکن است به آن حس تک بعدی ای بدهد که می‌تواند مشکل ساز باشد. بنابراین ضمن اینکه بحث زیر بر اساس مفروضاتی است که جوامع تاب‌آور با سرمایه توسعه یافته اقتصادی، اجتماعی و محیطی تعریف می‌شوند، به هیچ عنوان اذعان نمی‌شود که تأثیر متقابل میان سرمایه‌های مختلف و دارایی‌های اساسی شان پیچیده و مشروط

---

<sup>13</sup> Abel & Wilson

بر تفاسیر فرهنگی از تغییر و پیش‌بینی شده بر اساس شبکه‌ها و ساختارهای قدرت پیچیده میان جوامع نیست.

بورديو یکی از اولین افرادی است که برای تحکیم مفهوم "سرمایه" به دلیل تأکید بیش از حد روی "سرمایه اقتصادی"، غالباً به دلیل بی‌واسطگی روشن و شفافیت مبادلات اقتصادی و اینکه سایر فرم‌های انباشت کار (مخصوصاً سرمایه در حالت مشمول)، اغلب نادیده انگاشته می‌شوند، بحث می‌کند. در نتیجه بورديو پیشنهاد می‌دهد که سه سرمایه کلیدی وجود دارد: سرمایه اقتصادی (دارایی مادی)، سرمایه اجتماعی (شبکه‌های ارتباطات اجتماعی و تعهدات متقابل) و سرمایه فرهنگی (اعتبار). اگر چه مفهوم سرمایه بورديو بسیار مورد استفاده قرار گرفته، مفهوم سرمایه اجتماعی پس از آن، ویژگی‌های غیر قابل کسب درآمد از سرمایه فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی، مفاهیم پیچیده قدرت، ارتباط بینابینی نسبی میان افراد و ویژگی‌هایی نظیر "اعتماد" و "ملاط‌ فرهنگی و نهادی که جوامع را به یکدیگر پیوند می‌زنند را در بر می‌گیرد.

بسیاری از جامعه‌شناسان و جغرافی دانان، سرمایه اجتماعی توسعه یافته را به عنوان اصل کلیدی برای جوامع تاب آور می‌بینند. بخصوص در زمینه پیوند (انسجام گروهی)، ایجاد ارتباط بینا بین (پیوند میان گروه‌ها) و ارتباطات (ارتباطات عمودی) سرمایه‌ها. بنابراین سرمایه اجتماعی غالباً به عنوان چتری برای در برگرفتن نه تنها فرایندهای تعامل اجتماعی، بلکه سرمایه فرهنگی و سیاسی به کار می‌رود.

به منظور مفهوم سازی ویژگی‌های اقتصادی، زیست محیطی و ویژگی‌های بر اساس منبع تعاملات اجتماعی، نویسندگانی نظیر تام پایپلی<sup>۱۴</sup> و اوهلین<sup>۱۵</sup> یا هاروی<sup>۱۶</sup> چارچوب بورديو<sup>۱۷</sup> را

<sup>14</sup> Tom Popley

<sup>15</sup> Ohlien

<sup>16</sup> Harvey

<sup>17</sup> Bourdieu

گسترش داده‌اند و مفاهیم سرمایه شامل سرمایه اقتصادی و محیطی را به کار برده‌اند. در حقیقت، سرمایه اقتصادی در جامعه مدرن بسیار مهم شده است. بسیاری از مفسرین برجسته نیز بحث کرده‌اند که شاخص‌های اقتصادی در ارزیابی تاب‌آوری جامعه، بیش از حد مورد تأکید قرار گرفته‌اند (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۴۵).

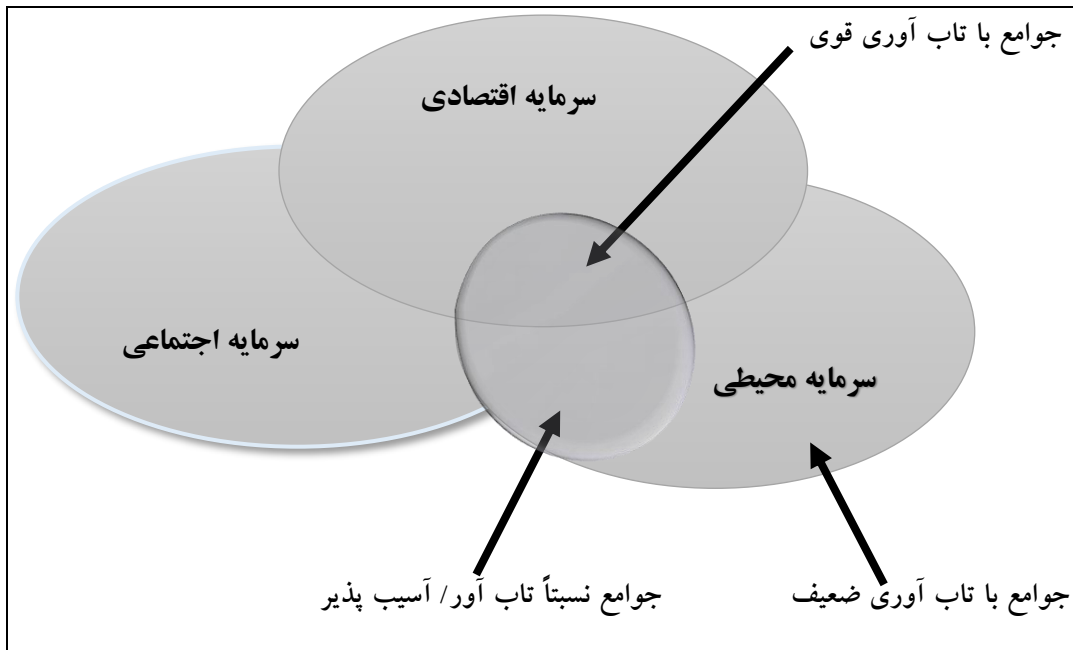
آخرین عضو اضافه شده به لیست "سرمایه‌ها"، مربوط به "سرمایه محیط زیستی" است. این اصطلاح توسط اکولوژیست‌ها، زیست‌شناسان، جغرافی دانان انسانی و انسان‌شناسان، به منظور تفهیم ویژگی‌های تعاملات محیط انسانی مرتبط با در دسترس بودن و استفاده پایدار از منابع طبیعی (خاک، آب، جنگل‌ها)، برای استفاده انسانی و نیز غالباً در ارجاع به سرمایه طبیعی (برای مثال ارزیابی اکوسیستم هزاره در ۲۰۰۵) مورد استفاده قرار گرفته است. سرمایه محیطی و اقتصادی می‌تواند به سرمایه اجتماعی تغییر شکل یابند. اگر چه چنین تغییری بسیار بستگی به روابط قدرت در جامعه دارد. بر اساس دیدگاه‌های پوتنام و ویلسون<sup>۱۸</sup> تاب‌آوری اجتماعی و آسیب‌پذیری می‌تواند بر مبنای این که تا چه میزان "مثلث بحرانی" سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی در یک جامعه توسعه یافته و نیز چگونگی تعاملات میان این سرمایه‌ها، تفهیم شوند. شکل ۱-۲، نشان می‌دهد که یک مدل مفهومی از چگونگی این در هم پیچیدگی سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی، فضا‌های متفاوتی از تاب‌آوری و آسیب‌پذیری را خلق می‌نماید. به عنوان بخشی از یک رهیافت هنجاری مرتبط با درک تاب‌آوری اجتماعی، در اینجا مفاهیم ویلسون از "قوی بودن" و "ضعیف بودن" سرمایه توسعه یافته، به منظور نشان دادن خوب بودن یا ضعیف بودن توسعه یافتگی در جامعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. بنابراین، قوی‌ترین سطح تاب‌آوری به دست آمده در شکل ۱-۲، زمانی است که هر سه سرمایه به صورت متعادل به درستی توسعه یابند (نظیر جوامع چند عملکردی). تاب‌آورترین شکل جامعه، در تقاطع میان سرمایه بالای اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی در جوامع به خوبی حفاظت شده در رویارویی با

<sup>18</sup> Wilson

چالش‌های تحمیل شده توسط جهان به سرعت جهانی شده است. جوامعی که تنها دو سرمایه دارند که به خوبی توسعه یافته است، به عنوان جوامع با تاب‌آوری یا آسیب‌پذیری متوسط تعریف می‌شوند. در حالی که جوامعی که تنها یک (یا هیچ) گونه سرمایه توسعه یافته‌ای ندارند (نظیر جوامع تک‌عملکردی)، عموماً با تاب‌آوری پایین یا آسیب‌پذیری بالا تعریف می‌شوند و علی‌رغم این حقیقت که برخی افراد در این جوامع ممکن است به صورت نا برابر از نظر مالی منتفع شوند، به عنوان جوامع تقریباً کاملاً متمرکز بر سرمایه اقتصادی در حال توسعه، در صرف سرمایه اجتماعی یا محیطی، آسیب‌پذیر خواهند بود. نظیر این موضوع، جوامع تقریباً کاملاً متمرکز بر سرمایه محیطی (برای مثال با منابع حفاظت شده)، ممکن است در صرف سرمایه اقتصادی و به طور همزمان اجتماعی، به همان میزان آسیب‌پذیر باشند. این مسئله تأکید می‌کند که روابط میان اجزای سه سرمایه بیش از خود سرمایه‌ها به تنهایی اهمیت دارد. در حالی که درجه بالایی از وابستگی میان سه سرمایه بدین معناست که هر گونه دخالت در یکی از سرمایه‌ها می‌تواند بر سایر سرمایه‌ها نیز تأثیر گذار باشد و بدین وسیله تاب‌آوری را تضعیف نماید (برای مثال، از دست دادن ظرفیت بازدهی خاک، بر سرمایه اقتصادی و اجتماعی موثر است).

اما تنها تعداد اندکی از جوامع هستند که همه ویژگی‌های سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی شان بالاترین حد توسعه یافته باشد و به همان میزان تنها نواحی اندکی هستند که کاملاً تک‌عملکردی هستند. این بدان معناست که بالاترین حد تاب‌آوری نمی‌تواند هرگز در یک جامعه به دست بیاید و باید به صورت یک "حالت ایده آل" دیده شود. غالباً جوامع تاب‌آور نیز برخی ویژگی‌های آسیب‌پذیری (برای مثال، وابستگی بیش از حد بر یک منبع درآمدی، مهاجرت به خارج، توزیع نامتناسب ثروت تولید شده در جامعه) را در بر می‌گیرند. بالعکس، حتی آسیب‌پذیرترین جوامع برای مثال با وابستگی بیش از حد به محصولات کشاورزی یا سرمایه اجتماعی ضعیف، ممکن است از برخی ویژگی‌های تاب‌آوری، نظیر سرمایه اقتصادی نسبتاً توسعه یافته برخوردار باشند (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۴۷).





شکل ۱-۳ تاب‌آوری اجتماعی، آسیب‌پذیری و سرمایه اقتصادی، اجتماعی و محیطی. منبع؛  
 (امیرزاده، ۱۳۹۵: ۴۹)

### نتیجه‌گیری

امروزه تلاش به منظور افزایش تاب‌آوری نسبت به مخاطرات طبیعی با توجه به شعار "همزیستی با مخاطرات طبیعی" و "برای گردونه امداد و نجات تا بازسازی" به حوزه‌ای مهم و گسترده تبدیل شده است. در این مقاله به تأسی از تحقیقات پیشین و در جهت تأیید نتایج آن‌ها، به ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی و نقش بی‌بدیل آن در تاب‌آوری اجتماعات روستایی در مخاطره

خشکسالی پرداخته شد. الگویی که بر اقدامات غیر سازه‌ای استوار است و حرکتی فراتر از تفکرات کالبدی در بر دارد. ارتباطات اجتماعی قوی به عنوان خنک‌کننده موتور بحرانی در شرایط سخت و دشوار می‌تواند جامعه را در وضعیت بهبودی قرار دهد. در مناطق پرخطر که به طور مرتب در معرض مخاطرات طبیعی قرار دارند، تجربه تقویت اجتماعی از طریق این سرمایه بسیار مفید بوده است. تاب‌آوری، بهبود و توان بخشی دوباره، زاینده‌ی روح سرکش بشر برای بازگشت از مصیبت، حتی بهتر و قوی‌تر است. خشکسالی به عنوان یک مخاطره طبیعی علاوه بر عوامل جَوّی و طبیعی تا حدودی متأثر از اقدامات انسانی نیز می‌باشد. بر این اساس بحث مربوط به تاب‌آوری و تاب‌آور نمودن کشاورزان روستایی در برابر این مخاطره، بسیار مهم می‌باشد. جهت کمی‌سازی و به دست آوردن میزان تاب‌آوری اجتماعی روستایی، می‌توان از یک شاخص ترکیبی بر مبنای نظر صاحب‌نظران و محققین مختلف به عنوان پر تکرارترین و مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده میزان تاب‌آوری اجتماعی نظیر آگاهی، نگرش، آسیب‌پذیری، دلبستگی به مکان، دینداری و... استفاده نموده نهایتاً نمره تاب‌آوری اجتماعی افراد میانگین مجموع نمرات به دست آمده از هر کدام از این شاخص‌ها خواهد بود. میزان سرمایه اجتماعی را نیز می‌توان با مولفه‌های اصلی معرف سرمایه اجتماعی که مورد استناد صاحب‌نظران و محققان مختلف این عرصه بوده مورد سنجش قرار داد. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که برای افزایش سطح تاب‌آوری اجتماعات روستایی، هر چند تاثیر عوامل دیگری نیز خارج از بحث این مطالعه قابل اذعان است، لکن با استناد به مفاهیم نظری مورد بحث این پژوهش، یکی از عوامل اصلی و تاثیرگذار در این مقوله، اتکا به خود مردم به پشتیبانی سرمایه اجتماعی آنان است.

## الف) منابع فارسی

- آقایی، پرویز (۱۳۹۵). ارزیابی چالش‌های اجتماعی ناشی از بحران خشکسالی بر توسعه پایدار روستایی، مورد پژوهی: دهستان میانه از توابع بخش شبیکوه، شهرستان فسا، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی-پژوهشی، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- اسدی، سعیده (۱۳۹۴). بررسی نقش تاب‌آوری اجتماعی در موفقیت فرایند بازسازی، مطالعه موردی؛ جوامع روستایی درب آستانه و بابا پشمان پس از زلزله سال ۱۳۸۵ دشت سیلاخور، استان لرستان، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۷، بهار ۹۶.
- امیرزاده، ملیکا سادات (۱۳۹۵). تاب‌آوری جامعه، جهانی شدن و مسیرهای انتقال تصمیم‌گیری، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی، سال دوم شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵.
- تاجبخش، کیان، اسدی، کیا (۱۳۸۲). تئوری سرمایه اجتماعی: پیامدهای آن برای توسعه اقتصادی و اجتماعی، مجله گفتمان، شماره ۲۴، ۱۳۸۲.
- صادقلو، طاهره، سجاسی قیداری، حمدالله (۱۳۹۳). اولویت بندی عوامل موثر برافزایش تاب‌آوری کشاورزان در برابر مخاطرات طبیعی (با تاکید بر خشکسالی)؛ منطقه مورد مطالعه، کشاورزان روستاهای ایجرود، مجله جغرافیا و مخاطرات محیطی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۳.
- عزمی، آئیژ (۱۳۹۳). نقش سرمایه اجتماعی در مدیریت مخاطرات طبیعی درسکونت گاه‌های روستایی، مطالعه موردی، بخش ماهیدشت کرمانشاه، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه، استانبول، اسفند ۱۳۹۴.
- عینالی، جمشید (۱۳۹۳). ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در کاهش اثرات سانحه زلزله، مطالعه دهستان سجاسرود شهرستان خدابنده، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳.

- مطهری، زینب (۱۳۹۴). تبیین اجتماع محوری در مدیریت بحران با تاکید بر زلزله، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، گزارش شماره ۳۰۷، خرداد ماه ۱۳۹۴.
- مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵). راهنمای انجام مطالعات برنامه آمایش استان تهران.

(ب) منابع لاتین

- ESCAP&UNISDR (2011) Protecting Development Gains; Reducing Disaster Vulnerability and Building Resilience in Asia and the Pacific, The Asia-Pacific Disaster Report.
- colins dictionary(2014) 7th ed. paper:1230
- Fact Sheet, (2008). Building resilience and social capital in rural and remote communities, Number 5.15 February 2008 For workers.
- OXFORD advance learners dictionary (2005) 7th ed., Oxford university press.
- Schouten. marleen, van der heide.martijn,heijman.wim. (2009). resilience of social- ecologicalsystems in european rural areas:theory and prospect.